



محمد مهدی مظاهری

تحلیلگر مسائل بین الملل

در هفته های گذشته شاهد بودیم که چگونه رژیم اسرائیل روند مذاکرات مشروع و صلح طلبانه مقامات کشورمان با آمریکا را به هم زد و از نگرانی اینکه توافقات دیپلماتیک نتواند منافع و اهدافش را تأمین کند، دست به حمله ای تجاوزگرانه به خاک کشورمان زد. این رژیم که در سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ را متقاعد کرده بود که از برجام خارج شود، در این حمله نیز وی را مجاب نمود تا نقاط ضعف اسرائیل را پوشش دهد و با تجهیزات نظامی برتر خود، تأسیسات هسته ای زیر زمینی ایران را هدف قرار دهد. خوشبختانه، جنگ ۱۲ روزه اخیر با هماهنگی و مدیریت ستودنی دستگاه دیپلماسی و مقامات نظامی کشور به یک درگیری تمام عیار و جنگ فرسایشی تبدیل نشد و گزارشات فوق محرمانه ای که CNN به آنها دست یافته و منتشر کرده نشان می دهد حمله آمریکا نیز تأثیر مهمی بر تأسیسات و سانتریفویهای ایران نداشته و به هیچ وجه قدرت هسته ای ایران را نابود نکرده است، بااین حال، به نظر می رسد تجربه تلخ دو هفته گذشته حامل درس ها و پیام های متعددی برای مقامات و تصمیم گیران ایران در ابعاد مختلف بود و لازم است سیاستگذاران، با نگاهی واقع بینانه به بررسی نقاط قوت و ضعف موجود بپردازند و راهبردهای آینده کشور را بدر نظر گرفتن این تجربیات تدوین کنند.
نخستین درس در این حوزه، در بعد نظامی است که لزوم بازنگری در راهبردهای بازاردنگی فعال را ایجاب می کند.

هر چند حملات موشکی دقیق ایران به سرزمین های اشغالی که در پاسخ به حملات اسرائیل به کشورمان انجام شد، قابل تقدیر بود و نه تنها ایرانیان، که همه ملت های منطقه را نیز شگفت زده و شاد کرد، اما با حمله های مکرر رژیم اسرائیل به مراکز مختلف نظامی، مسکونی و برخی زیر ساخت های انرژی کشور، ضرورت ایجاد لایه های دفاعی عمیق تر و متنوع تر برای حفاظت از زیرساخت های حیاتی و مراکز حساس کشور بیش از پیش نمایان شد. بنابراین، از این نکته نباید غفلت کرد که صرف داشتن توانایی حمله کافی نیست؛ بلکه باید توانایی دفاع ضد موشکی و مراقبت از حریم هوایی کشور نیز ارتقا یابد.

از سوی دیگر در حوزه آفندی نیز، سرمایه گذاری در حوزه سیستم های رادار گریز و غلبه بر دفاع دشمن نیز باید مد نظر قرار بگیرد. همچنین با توجه به جنگ ترکیبی که دشمن بر علیه کشورمان به کار گرفت، به نظر می رسد ایران نیز برای هموردی با جنگ های مدرن، باید توجه بیشتری به حوزه های جنگ الکترونیک، سایبری، هوش مصنوعی، ریز پرنده ها و پهپاد های نا هجمی پیشرفته نشان دهد.

نکته دیگر، مشخص شدن همکاری برخی عناصر داخلی با اسرائیل بود که کار را برای این رژیم غاصب آسان تر کرد؛ اینکه چرا برخی از افراد حاضر شدند با خیانت به کشور خود، با دشمن همراهی و همکاری کنند، از ابعاد مختلفی قابل تحلیل و ارزیابی است؛ کاهش سرمایه اجتماعی نظام سیاسی در سال های اخیر، افزایش مشکلات اقتصادی و جذاب بودن پیشنهادها مالی اسرائیل، عدم تعلق خاطر برخی از مهاجرین خارجی به ایرانی که به آنها پناه داده است و عوامل بسیار دیگر در این مسأله دخیل بوده اند. از این رولازم است مسئولان امنیتی ضمن دوری از اقدامات هیجانی و شتاب برآی اعدام خائنان، ابتدا به شناسایی دلایل و ریشه های این اقدام عجیب و ضد وطن پرستانه آنها بپردازند و با تهیه گزارشی دقیق و منصفانه برای نهادهای ذی ربط، توصیه هایی برای جلوگیری از این تجربه تلخ ارائه دهند.

در کنار آشکار شدن این حقیقت تکان دهنده، شاهد روی دیگری از جامعه ایرانی بودیم که این نیز در نوع خود عجیب، غرورآفرین و مایه مسرت بود. بخش هایی از جامعه ایرانکه در سال های گذشته جزو معترضین به نظام سیاسی بودند و برخی از آنها ضمن قهر با صندوق رأی تلاش کرده بودند ناراضیانی خود از شرایط سیاسی و اقتصادی کشور را نشان دهند، بعداز حمله رژیم اسرائیل به کشورمان، با تغییر رویه ای که فقط از یک ایرانی وطن پرست برمی اید وارد گود حمایت از ایران و تمامیت ارضی کشور شدند و بقیه را هم تشویق کردند تا در این شرایط اختلاف ها را کنار بگذارند و تنها به فکر نجات و رهایی ایران باشند.

همان دختران کم حجابی که مدت ها از برخی رفتارها شاکي بودند، در این ۱۲ روز در راهپیمایی های حمایت از ایران شرکت کردند و شب ها پرچم ایران در خیابان ها حاضر می شدند تا به دشمن پیام دهند منتظر شورش ما نباشید، ما معترض به وضع موجود کشورمان هستیم، اما خائن و وطن فروش نیستیم، برای تغییر در ایران دل به کشورهای بیگانه نبسته ایم و برای ما هم اول و قبل از هر چیز «صلابت، استقلال و آزادی ایران» است که اهمیت دارد! این همدلی و همبستگی که به یکباره در دوران جنگ بین اقشار مختلف مردم ایجاد شد، یک سرمایه اجتماعی ارزشمند است؛ مدیران و تصمیم گیران کشور باید به این حس ایران دوستی و وطن پرستی پاسخی متقابل و متناسب بدهند و با تصمیمات درست و سنسجیده، این سرمایه نوظهور را با جنگ و دندان حفظ کنند. همچنین صداوسیما که در روزهای جنگ زنان و دختران کم حجاب پرچم به دست را مکرراً نشان می داد تا به دنیا ثابت کند که این افراد نیز حامی نظام سیاسی هستند، باید پس از این نیز نگاهی مهربانانه داشته باشد و با یا رگشت اوضاع به شرایط عادی، مجدداً آنها را قاب تلویزیون حذف نکند.

جوانان ایرانی با هر تکرش و اعتقادی، فرزندان این سرزمین هستند و لازم است صدای آنها شنیده و به مطالباتشان توجه شود. این درس ها از ضرورت تقویت توان نظامی و بازاردنگی مؤثر گرفته تا مضمون سازی اقتصادی، افزایش سرمایه اجتماعی واتخاذ دیپلماسی فعال و هوشمندانه در سطح منطقه ای و بین المللی را شامل می شود. عبور موفق از این بحران ها وتضمین امنیت و پیشرفت کشور در آینده، مستلزم نگاهی واقع بینانه، اتخاذ راهبردهای جامع و همه جانبه و تقویت همکاری ملی است.

محمد رضا سبزعلیپور در گفت وگو با «آرمان ملی»:

پروژه نفوذ را باید جدی بگیریم

ممکن است دوباره نتانیاهو هوس حمله به ایران به سرش بزند

نتانیاهو به این زودی آتش بس را نقض نخواهد کرد

آرمان ملی- احسان انصاری: اهمیت دوران پس از جنگ از نظر تصمیماتی که گرفته می شود اگر بیشتر از دوران جنگ نباشد کمتر هم نیست. به همین دلیل در شرایطی که کشور وارد دوران پس از جنگ شده باید ها ونباید های این دوران باید مورد تحلیل و بررسی صاحب نظران و کارشناسان حوزه های

تحلیل و ارزیابی شما از جنگ ۱۲ روزه ایران با اسرائیل و آمریکا چیست؟

در روزهایی که سپری شد، بار دیگر جهان شاهد تجاوز و حملات وحشیانه رژیم غاصب صهیونیستی و حامیان و هم پیمانان غربی اش به ویژه ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران اسلامی بود، حملاتی که متجاوز بودن اسرائیل را به جهانیان اثبات کرد. واقعیات میدانی وتحولات ژئوپلیتیکی، پرده از سناریویی حساب شده برداشت که در جهت ضربه زدن به اراده و اقتدار ملت شریف ایران طراحی شده بود. جنگ ۱۲ روزه ای که با حملات کور و بعضاً هدفمند صهیونیست ها با همکاری جاسوسان داخلی و همچنین با همراهی مستقیم آمریکا در سطوح نظامی، سایبری، رسانه ای، اجتماعی و اقتصادی آغاز شد نه تنها نقاب از چهره واقعی دشمنان دیرینه ایران اسلامی برداشت، بلکه به دنیا نشان داد که کشورمان در عصر جدید، صرفاً در برابر تهدیدات و حمله های نظامی قرار ندارد، بلکه با جمعی از کشورهای استعمارگر و متجاوز ویک جنگ ترکیبی تمام عیار مواجه است. جنگ ۱۲ روزه، به عنوان یک رویداد تاریخی و مهم، نه تنها قدرت و اراده ملت ایران را به نمایش گذاشت، بلکه درس های فراوانی را برای ما به ارمغان آورد.
چندین تحمیلی رژیم صهیونی و آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران، تلاش چند بعدی آنان در جهت تضعیف تأسیسات هسته ای، قدرت نظامی، انسجام ملی و نفوذ منطقه ای ایران بود. این جنگ که ترکیبی از اقدامات نظامی، جنگ روانی و فشارهای اقتصادی بود، سال ها به نحای مختلف ادامه داشت و حملات تجاوزکاران و غیرقانونی اخیر نیز در ادامه همین راهبرد چند وجهی قرار می گیرد. با این حال، جمهوری اسلامی ایران با اتکا به بازاردنگی هوشمند، قاطعانه پاسخ این تجاوزات را داد و در طرف دیگر و به عبارتی در طرف مهم تر مردم ایران قرار داشتند که با اتحاد و همدلی بی نظیر ملی، بار دیگر نشان دادند که به رغم وجود تنگنا ها و انتقادات خویش، مردانه و استوار در برابر تجاوز خارجی، متحد و مقاوم ایستاده و پشت ایران و همچنین نظام را خالی نکردند.

به هر حال این جنگ برخی چالش های ما را بیش از گذشته نشان داد. در دوران پس از جنگ چگونه می توان این چالش ها را مرتفع کرد؟

این جنگ کوتاه مدت، سایه روشن ها و فرصت ها و تهدید های متعددی را نیز با خود به همراه داشت که بسیار مهم و قابل تأمل است. شناختن دوستان و دشمنان داخلی و خارجی ایران، نشان دادن اقتدار و قدرت نظامی ایران به جهانیان، به وجود آمدن اتحاد و همدلی مردم و نظام، محک زدن قدرت موشکی و پهپادی کشورمان، تجربه درگیری با پهپادها و ریزپرنده ها، ضعف برخی دستگاه ها در موضوع حفاظت از جان مسئولین، فرماندهان و دانشمندان، مشخص شدن حفره های قاچاق و منافذی که در اثر ضعف اطلاعاتی موجب رخنه جاسوسان و همچنین تجهیزات نظامی به کشورمان شده بود، پدیدار شدن ضعف دولت ها و برخی از دستگاه ها در ارائه خدمات، توزیع کلا و سوخت، نحوه و سرعت عمل در جابه جایی مردم و همچنین مدیریت مسافرت آنان به شهرهای دیگر، نبود پناهگاه برای روزهای بحرانی از جمله تجربه های به دست آمده است.

به نظر شما هدف آمریکا و اسرائیل از حمله به ایران چه بود و چند به به اهداف خود رسیدند؟

به ظاهر هدف آمریکا و اسرائیل از حمله به ایران انهدام تأسیسات و برنامه هسته ای کشورمان بوده اما مثل روز روشن و مشخص است که هدف آمریکا و اسرائیل از حمله به ایران فراتر از مهار هسته ای بوده و به عینه پیداست که هدف اصلی آمریکا و اسرائیل، صرفاً متوقف کردن برنامه هسته ای ایران نبوده و نیست بلکه تلاش آنان فقط در جهت حذف ایران به عنوان یک بازیگر تاثیرگذار منطقه ای بوده و به همین خاطر بحث تغییر نظام نیز علناً از طرف مقامات صهیونی و آمریکایی مطرح شد و در این راستا آمریکا و اسرائیل به حمایت مردم و آغاز اغتشاشات در ایران همزمان با حملات هوایی امیدوار بودند که در این زمینه سرشان به سنگ خورند و چنین همراهی از طرف مردم در متجاوزین خارجی صورت نگرفت. در صورت ناتوانی در تغییر ساختار سیاسی، گزینه مطلوب تر برای آمریکا و اسرائیل، تبدیل ایران به کشوری فروپاشیده، ضعیف و دستخوش آشوب و بی ثباتی (شبه لیبی) است، چنین سناریویی کاملاً با منافع استراتژیک آنان همخوانی دارد. مع الوصف آمریکا و اسرائیل نه تنها به هیچیک از اهداف خود در حمله به ایران نرسیدند و نتوانستند دانش هسته ای کشورمان را مهار و نابود کنند بلکه ما با پاسخ

در خصوص تندروها باید عرض کنم که این بندگان خدا خودشان آرامش ندارند و آرامش کشور و مردم را هم نمی توانند ببینند. متأسفانه در دوره هایی که کشور برای کاستن از تنش ها تلاش می کند، آرام و قرار ندارند

دندان شکنی مواجه و هم هیمنه آنان در برابر جهانیان شکست و برای اولین بار در تاریخ، قبح حمله و موشک باران اسرائیل ریخته شد.

چگونه می توان با عناصر نفوذی برخورد کرد؟

با وجود اینکه نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی و انتظامی طی دو هفته گذشت به کار عملیاتی دقیق موفق شدند چندین کارگاه و محل دیو پهپاد های آماده را کشف و با جمعی از تعدادی از عوامل خود فروخته را دستگیر کنند اما از ظواهر امر چنین پیداست که حفره ها، عناصر و عوامل نفوذی زیاد بیش از تصور بوده است. با توجه به چندین عملیات گذشته اسرائیل چه در ایران و چه خارج از ایران در قبل و بعد از طوفان الاقصی، ایران باید مقابله با پروژه نفوذ و حفره ها را بسیار جدی تر می گرفت. در کنار مقابله و عملیات چند بعدی ایران باید توانمندسازی نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی داخل کشور در مقابل خطرهای احتمالی باشد.

ارزیابی شما از عملکرد نیروهای مسلح ایران در این جنگ چیست؟ آیا پدافند ایران نیاز به تقویت ندارد؟

عملکرد نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قابل تقدیر و فراتر از تصور آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. عملکرد ایران در جنگ با اسرائیل به دو بخش آفندی و پدافندی تقسیم می شود. تحلیلگران نظامی معتقدند عملکرد ایران در بخش آفندی بسیار خوب بوده و موشک های هایپرسونیک ایرانی بزویی توانستند از کنگد آهنین عبور کرده و به قلب تل آویوو حیفاً و قدس اشغالی اصابت کنند. اما در بخش پدافندی ضعف هایی داشتیم که کارشناسان و مسئولان باید درصد کاستن از ضعف ها باشند. البته باید یادآوری کرد که در جنگ ۱۲ روزه، رژیم صهیونیستی تنها نبود بلکه اعضای ناتو و مستکدام هم با ایران جنگیدند. من اعتقاد دارم که وضعیت نظامی ایران تا حدود زیادی با باعث افتخار و به طور چشمگیری باعث تعجب اسرائیلی ها و آمریکایی ها شد، یعنی جمهوری اسلامی بسیار نیرومندتر از آنچه تصور می شد از نظر نظامی ظاهر شد. پدافند ایران خوب عمل کرد اما در سطح انتظار ظاهر نشد و پدافندی که در قد و قواره ایران باشد نبود. نمی خواهم تلاش ها و زحمات عزیزان یگان های پدافندی را کم اهمیت جلوه داده و زیر سوال ببرم اما باید قوی تر شوند تا دشمنان نتوانند به سادگی به آسمان ایران تجاوز کنند. این رافی الواقع عرض می کنم که هر شب صدای پدافند و شلیک ضد هوایی ها می شنیدم، چشمانم پر از اشک می شد و قلباً برای عزیزان پدافندی دعا می کردم. دولت محترم باید بدون فوت وقت نقاط ضعف پدافندی را مرتفع و هرچه سریع تر نسبت به تقویت و به روزرسانی پدافند کشورمان اقدام نماید.

با توجه به شخصیت غیرقابل پیش بینی ترامپ و عملکرد خارج از اصول نتانیاهو آیا آتش بس موجود تاوأم خواهد داشت؟ در چه صورتی احتمال تکرار جنگ وجود دارد؟

نتانیاهو بارها نشان داده که به هیچ وجه قابل اعتماد نیست و به قول هایی که داده پایبند نبوده و بارها آتش بس را در ماجرای لبنان و حماس شکسته است. اما این بار

آمریکابیش ترین کمک مالی را به سازمان ملل متحد می کند و در نتیجه غالب هزینه های آن سازمان را نیز به گردن می گیرد، یعنی به نوعی دبیرکل این سازمان وابسته به آمریکاست



مختلف قرار بگیرد. به همین دلیل «آرمان ملی» برای تحلیل و ارزیابی جنگ ۱۲ روزه و چالش ها و فرصت های دوران پس از آن با دکتر محمد رضا سبزعلیپور رئیس مرکز تجارت جهانی ایران گفت وگو کرد که ما حاصل این گفت وگو را می خوانید.

اعتقاد من بر این است که نتانیاهو ضربه مهلک و غیر قابل تصویری از ایران خورده و نه تنها توان درگیری و جنگ با ایران را ندارد بلکه ادامه جنگ، روزانه صدها میلیون دلار هزینه به اضافه کلی کشته و زخمی و ویرانی روی دستش می گذارد و به همین دلیل توان شکستن آتش بس را ندارد. البته بعید نیست اگر شرایط را مهیا ببیند باز هم هوس تجاوز به سرش بزند. برای همین لازم است با تمام توان از نظر دفاعی در آمادگی کامل باشیم. چنانچه ما هم نقاط ضعف احتمالی را رفع نکنیم، پدافند هوایی را بیش از پیش تقویت و توانمند نکنیم و حفره ها و منافذ ورود جاسوسان را کور نکنیم و از همه مهم تر مردم را راضی و متحد نگه نداریم بعید نیست تجاوز به ایران را در دستور کارشان قرار دهند.

مهم ترین اولویت های پس از جنگ را چه می دانید؟ نظر شما درباره دیدگاه تندروها در خصوص جنگ و همچنین اغراق و نددین و واقعیت های جنگ چیست؟

برخی مسئولان ما در ایام جنگ ۱۲ روزه ناراحت بودند که چرا دبیرکل سازمان ملل، حملات اسرائیل متجاوز را محکوم نمی کند و فقط طرفین را به خویشن داری دعوت می کند. دلیل این موضع گیری روشن است. آمریکا بیش ترین کمک مالی را به سازمان ملل متحد می کند و در نتیجه غالب هزینه های آن سازمان را نیز به گردن می گیرد، یعنی به نوعی دبیرکل این سازمان وابسته به آمریکاست. پس نباید انتظار داشته باشیم که دبیرکل سازمان ملل، آمریکا و سیاست هایش را رها کند و از حق و عدالت دفاع و حمایت کند. اگر می خواهیم حرفمان در دنیا خریدار داشته باشد و کشورهای جهان از ما حمایت کنند، باید اقتصادمان را قوی کشورمان را رترومند کنیم تا به واسطه همین ثروت، قدرت، کلام و نفوذ حرف و موضع ایران در دنیا اثرگذار باشد. در حال حاضر این اثرگذاری در منطقه وجود دارد اما برای اثرگذاری در دنیا باید قوی تر از اکنون باشیم. بااین مقدمه باید تاکید کرد مهم ترین اولویت های پساجنگ تقویت نیروهای مسلح کشورمان، خرید و تولید بهترین و پیشرفته ترین تجهیزات نظامی، ارتقای سطح رفاه و معیشت و راضی و همدل نگه داشتن مردم، نظارت دقیق مرزها و کور کردن حفره ها و منافذ ورود تجهیزات نظامی دشمن و خرابکاران و همچنین تقویت رسانه های کشور و... چند مورد دیگر است که انجام دقیق و سریع این موارد پول و بودجه و ارز می خواهد و بد خزانه خالی امکان پذیر نخواهد بود. لذا تا می توانیم باید به سمت تقویت اقتصاد و گردش ثروت وارد کردن چرخ تولید قیام برداریم و انجام این مهم به دست توانمند فعالان اقتصادی و کارآفرینان کشور اکتانپذیر است. ضمناً باید به این نکته اشاره کنم که در جنگ ۱۲ روزه، بیش از اینکه جنگ مان نظامی باشد و با نیروهای مسلح آمریکا و اسرائیل درگیر باشیم، جنگ رسانه ای داشتیم و این رسانه های دشمن و رسانه های معاند بودند که با اخبار دروغ و همچنین وارونه جلوه دادن موفقیت های نظامی ایران، سعی در تضعیف روحیه مردم، ایجاد نا رضایتی و دعوت به آشوب داشتند که خوشبختانه موفق نشدند و اما در خصوص تندروها باید عرض کنم که این بندگان خدا و این قشر تندرو خودشان آرامش ندارند و آرامش کشور و مردم را هم نمی توانند ببینند. متأسفانه در دوره هایی که کشور برای کاستن از تنش ها تلاش می کند، آرام و قرار ندارند و دولت را مورد حمله قرار می دهند. قبل از تجاوز رژیم صهیونی به خاک کشورمان، همین تندروها که پیوسته به دولت حمله می کردند و دولت راتحت فشار قرار داده بودند، از آغاز درگیری ۱۲ روزه ناگهان غیب و ناپدید شدند. انگار نه انگار که وجود داشته اند. در کل نان تندروها در تنش، درگیری و جنگ است و انگار از امنیت و آرامش و شادی مردم گریزان هستند. تاکید می کنم این حرف نافی توانمندی ها دفاعی و مقابله با کوچک ترن تجاوز به سرزمین ایران نیست. قشر تندرو متأسفانه در همه جا پخش هستند و در تمام لایه ها حضور دارند. برخی از این افراد تندروی بر سر صومعه بعضاً هیچ کاره و همه کاره هستند. گاهی که سوال پرسیده می شود فلانی که دائماً در رسانه ها و به ویژه در رسانه ملی حضور دارد، چه کاره است و چه سمت و مسئولیتی دارد، غالباً پاسخ این است که وا... ما هم نمی دانیم چه کاره است اما همه جا حضور دارد! این موضوع حقیقتاً بحران ساز است و به کشور و امنیت ملی ضربه وارد می کند که افراد بی مسئولیت به خود اجازه بدهند در هر موضوع حساس و مهمی دستورالعمل صادر کنند و طوری حرف بزنند که انگار حرف دستورالعمل رسمی نظام است. من معتقدم که عقلای نظام اگر سربلندی و موفقیت کشورمان را می خواهند و دنبال ایران ثروتمند، قوی و مرفه می باشند باید این گروه را کنترل کرده و رفته رفته دایره اثرگذاری آنها را کم کنند. حضور و فعالیت این قشر کشور را با مشکلات خاص خود روبه رو می کند.

گزارش

دلالی که باعث شد پاکستان در جنگ ایران و اسرائیل در کنار تهران بایستد؟

قصد اسلام آباد

واقعا حمایت از ایران بود؟

دریک تحول قابل توجه، پاکستان پس از تشدید جنگ بین اسرائیل و ایالات متحده از یکسو و ایران از سوی دیگر، از طریق کانال های مختلف با ایران اعلام همبستگی کرد. اسلام آباد در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای بمباران سه راکتور هسته ای را تنها یک روز پس از تایید نامزدی ترامپ برای دریافت جایزه نوبل به خاطر نقش او در حل اختلاف اخیر اسلام آباد با هند بر سر کشمیر محکوم کرد. در یک تماس تلفنی بین شهباز شریف نخست وزیر پاکستان و مسعود پرشکیان رئیس جمهور ایران، شریف حملات اسرائیل به ایران را محکوم کرد. خواجه محمد آصف وزیر دفاع حمایت کامل کشورش از ایران را تأیید کرد و خاطرنشان ساخت که پاکستان از منافع ایران در برابر تجاوز اسرائیل محافظت خواهد کرد. او خواستار تشکیل جلسه اضطراری سازمان همکاری اسلامی برای تدوین یک استراتژی مشترک به منظور پاسخ به تجاوز اسرائیل شد. به دنبال آن سبای پاکستان پیش نویس قطعنامه ای را تصویب کرد که از ایران در برابر حملات اسرائیل حمایت می کرد. هم چنین، وزیر امور خارجه پاکستان بیانیه مشترک وزرای امور خارجه ۲۰ کشور از جمله مصر، ترکیه، اردن، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، عراق و کشورهای آفریقایی را امضا کرد. این بیانیه حملات اسرائیل را محکوم کرد و بر لزوم احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، اصول حسن همجواری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تأکید نمود.

انگیزه چندانگنه

این موضع پاکستان را می توان با ملاحظات متعددی توضیح داد که برجسته ترین آنها عبارتند از: نخست؛ احتمال هدف قرار دادن سایر کشورها؛ به نظر می رسد پاکستان معتقد بود که اگر اسرائیل در رویارویی با ایران به اهداف خود برسد، به دلیل داشتن قابلیت های نظامی هسته ای، به دنبال هدف قرار دادن سایر کشورها، از جمله خود پاکستان خواهد بود. با چنین رویکردی، خواجه محمد آصف وزیر دفاع پاکستان در سخنرانی خود در تاریخ ۱۴ ژوئن در جلسه مجلس ملی پاکستان بر این نکته تأکید کرد و اظهار داشت: «اگر جهان اسلام برای مقابله با اسرائیل متحد نشود، در نهایت هر کشوری به یک هدف تبدیل خواهد شد. روشی که اسرائیل یمن، ایران و فلسطین را هدف قرار داده است، نشان دهنده یک برنامه بزرگ تر است و اکثر کشورهای اسلامی در حال حاضر با تهدیدات امنیتی روبه رو هستند.» پاکستان پس از حملات اسرائیل علیه تأسیسات هسته ای ایران، از فعال شدن سامانه های پدافند هوایی خود و استقرار جت های جنگنده در نزدیکی تأسیسات هسته ای و مرز خود با ایران خبر داد. وزیر دفاع پاکستان تأکید کرده بود که سامانه های دفاعی پاکستان به عنوان یک اقدام احتیاطی در حالت آماده باش کامل هستند. از زمان آغاز جنگ ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، محافل محلی در پاکستان نگرانی های خود را پنهان نکرده اند که پروژه هسته ای آن کشور به همراه دولت پاکستان به عنوان یک بلوک منسجم می تواند هدف بعدی اسرائیل و ایالات متحده باشد، که روابط آنان با اسلام آباد در سالیان اخیر به دلیل اتهام مطرح شده از سوی ایالات متحده مبنی بر پناه دادن پاکستان به توریست ها تیره شده است. این امر پاکستانی ها را تشویق کرد تا در قبال حمله علیه تأسیسات هسته ای ایران و با برنامه های آمریکا و اسرائیل برای ساقط کردن نظام سیاسی در ایران موضع گیری کنند تا اسلام آباد نیز بعداً به هدف مشابهی برای آمریکایی ها و اسرائیلی ها تبدیل نشود. این نگرانی ها از سوی پاکستانی ها با انتشار ریک کلیپ ویدئویی قدیمی از بنیامین نتانیاهو تخت وزیر فعلی اسرائیل در یک مصاحبه مطبوعاتی که توجه گسترده ای را در اسلام آباد به خود جلب کرد، تقویت شد. نتانیاهو در آن مصاحبه موضوع در اختیار داشتن سلاح هسته ای از سوی اسرائیل را رد کرد. او اظهار داشت که اسرائیل می خواهد از دستیابی هر حکومت اسلامی به سلاح هسته ای جلوگیری کند. دوم؛ اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از بروز تنش های داخلی پاکستان؛ تاوأم جنگ ایران و اسرائیل می توانست منجر به ریزش تظاهرات یا حوادث خشونت آمیز علیه سفارتخانه ها و کنسولگری های خارجی در پاکستان شود. این امر تنش ها در روابط پاکستان با غرب را در زمانی که پس از رویارویی اخیر آن کشور با هند، نیاز به بازگرداندن تعادل در روابط خود داشت، تشدید می کرد. مقام های پاکستانی ظاهراً آمادگی برای راهپیمایی شیعیان در پاکستان برای محکوم کردن حمله اسرائیل به ایران را رد نکرده بودند. سوم؛ ترس از هرج و مرج امنیتی در مرز؛ مرز مشترک بین ایران و پاکستان تقریباً ۹۰۰ کیلومتر امتداد دارد و در مناطقی که مردم بلوچ در آن ساکن هستند و گروه های جدایی طلب مسلح در آن فعالیت می کنند، در ایالت بلوچستان پاکستان از یک طرف و استان سیستان و بلوچستان ایران از طرف دیگر، به یکدیگر متصل می شود. پاکستان متوجه بود که اگر ایران کنترل خود بر استان سیستان و بلوچستان را از دست می داد، بدان معنایه که هرچ و مرج ناشی از آن موضوع ناگزیر به پاکستان سرایت می کرد. چهارم؛ آمادگی برای تقویت روابط با ایران پس از پایان جنگ؛ به نظر می رسد یکی از مهم ترین دلایل اعلام حمایت کامل پاکستان از ایران در جنگ علیه خاورمیانه، تلاش آن کشور برای تقویت روابط با ایران پس از پایان جنگ ایران و اسرائیل بوده است. این همان کاری است که برخی دیگر از کشورهای منطقه در حال حاضر انجام می دهند.